

واکاوی وجوه قرابت جعفر بن ابی طالب با پیامبر ﷺ در حدیث «أَشْبَهَتْ خُلُقِي وَ خُلُقِي»

مرضیه اکبری^۱

چکیده

در تاریخ پرفرازونشیب بشریت، شخصیت‌هایی درخشان وجود دارند که با فداکاری و اراده‌ای استوار، در مسیر حق و حقیقت گام برداشته‌اند و سیره آنها می‌تواند چراغ راهی برای نسل‌های آینده باشد. یکی از این چهره‌های برجسته، جعفر بن ابی طالب، معروف به «جعفر طیار»، از صحابه نزدیک پیامبر اکرم ﷺ است. او با ایمان راسخ به پیامبر ﷺ و فداکاری در راه اسلام، الگویی از وفاداری و ایثار را به نمایش گذاشت. پژوهش حاضر با هدف تحلیل وجوه تشابه در رفتارها و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر ﷺ و جعفر بن ابی طالب، به بررسی حدیث «اشبهت خلقی و خلقی» می‌پردازد که شباهت‌های خلقی و اخلاقی این دو شخصیت بزرگ را تبیین می‌کند. در کنار فضایل بی‌نظیر پیامبر اکرم ﷺ، شباهت‌های عمیق میان این دو شخصیت، نشان‌دهنده پیوندهای معنوی و اخلاقی آنهاست. یافته‌های این تحقیق در دو بُعد اصلی قابل بررسی است: ۱. شباهت‌های نسبی و ظاهری؛ هر دو شخصیت، از نسل شریف بنی‌هاشم هستند که نماد ارتباط عمیق خانوادگی و فرهنگی آنهاست. ۲. شباهت‌های اخلاقی و رفتاری: ویژگی‌هایی همچون شجاعت، تعهد به تبلیغ دین اسلام، کمک به نیازمندان و پایبندی به اصول موحدانه، همگی نمایانگر همسانی عمیق در ارزش‌ها و رفتارهای انسانی این دو بزرگوار است. این پژوهش بر ضرورت شناخت سیره جناب جعفر طیار تأکید دارد تا آموزه‌های ایشان به عنوان منبع الهام برای تقویت ایمان و فداکاری در جامعه امروز مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، جعفر بن ابی طالب، وجوه قرابت، حدیث اشبهت.

۱. دانش پژوه سطح سه تاریخ اسلام جامعة الزهراء ﷺ قم، ایران؛ m.akbari5959@yahoo.com

مقدمه

جایگاه جعفر بن ابی طالب چنان والا و فضایل آن جناب چنان فزون است که باعث شد پیامبر اکرم ﷺ بارها از وی به نیکی یاد کند، طینت جعفر را همانند طینت خود بداند، او را در کنار امام علی علیه السلام و جناب حمزه، از بهترین مردم بخواند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۷۲)، جزء هفت نفر از بهترین کسان بنی هاشم معرفی کند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۴۹)، وی را از بهترین شهدا بنامد (همان، ج ۱، ص ۴۵)، در مورد جعفر حدیث «اشبهت خلقی و خلقی» را بیان فرماید و آن جناب را در صورت، اخلاق و رفتار، شبیه خود بداند.

از این رو نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش خواهد پرداخت که بین این بزرگ مرد و پسرعموی گرانقدرش، حضرت رسول ﷺ، چه قرابت و تشابهی وجود دارد؟ تا با پی بردن به ویژگی‌ها و توانمندی‌های خاص ایشان بتوان به سیره وی در زندگی تأسی جست. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که بدانیم چگونه ممکن است شخصیتی همچون جعفر بن ابی طالب، که از عصمت برخوردار نبوده است، با بهترین انسان عالم در برخی ویژگی‌ها قرابت پیدا کند، تا آنجا که پیامبر ﷺ حدیث معروف «اشبهت خلقی و خلقی» را در مورد وی بفرماید. بنابراین، مطالعه در مورد چنین شخصیتی، باعث کشف ابعاد جدیدی از زندگی ایشان می‌شود و مساعدت می‌کند که همه اقشار مردم، به ویژه نسل جوان، با الگوهای صدر اسلام بهتر آشنا شوند.

در آثار متعددی، به طور اختصاصی به بررسی و بیان شخصیت برجسته جعفر بن ابی طالب پرداخته شده است. یکی از این آثار، کتاب جعفر الطیار نوشته کمال سید است که با نگاهی عمیق، به بیان ویژگی‌های والای جناب جعفر و نقش او در رهبری مهاجران مسلمان به حبشه می‌پردازد. این کتاب نه تنها شخصیت جعفر را به تصویر می‌کشد، بلکه تأثیر او در تاریخ اسلام را نیز روشن می‌سازد.

علاوه بر این، مقاله‌ای با عنوان «واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب» نوشته هادی یعقوب‌زاده و نعمت‌الله صفری فروشانی، به بررسی شباهت‌های این دو شخصیت بزرگ می‌پردازد. در این مقاله، نویسندگان با استناد به روایات

معتبر، ویژگی‌های مشترک حمزه و جعفر را تحلیل می‌نمایند و آنان را در برخی خصوصیات، همتای یکدیگر معرفی می‌کنند.

مقاله حاضر به طور خاص به بررسی وجوه شباهت‌های ظاهری و اخلاقی میان پیامبر اکرم ﷺ و جعفر بن ابی طالب می‌پردازد؛ درحالی‌که دو اثر پیشین، تنها به ذکر حدیث «أَشْبَهْتَ خُلُقِي وَ خُلُقِي» اشاره کرده و از تبیین عمیق این شباهت‌ها غافل مانده‌اند. این پژوهش سعی دارد تا با تحلیل دقیق، ابعاد مختلف این قرابت را میان این دو شخصیت بزرگ ارائه دهد که در آثار دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱. حدیث «أَشْبَهْتَ خُلُقِي وَ خُلُقِي» در منابع کهن

حدیث «أَشْبَهْتَ خُلُقِي وَ خُلُقِي» از جمله احادیثی است که در منابع شیعه و سنی به آن اشاره شده است. مورخان شیعی مانند: سلیم بن قیس هلالی (۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۴۲)، ابن شهر آشوب (۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۱)، طبرسی (۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۴) و... به این حدیث پرداخته‌اند و منابع اهل سنت نیز این حدیث را نقل کرده‌اند؛ از جمله: ابن حنبل (۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۴۹)، قاسم (۱۴۱۰، ج ۴، ص ۵۶)، بیهقی (۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۳۸)، ابن اثیر (۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۱۷)، ابن کثیر (بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۴) و ابن حجر عسقلانی (۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹۲).

بیشتر مورخان، حدیث را به صورت «أَشْبَهْتَ خُلُقِي وَ خُلُقِي» نقل کرده‌اند (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۳۳۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۱۷؛ ابن کثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۴؛ النووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹؛ الحلبی الشافعی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۹۵؛ ابن حجر العسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹۲؛ حموی شافعی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۵۷ و طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۲۳). برخی از مورخان نیز این حدیث را با الفاظ دیگری بیان نموده‌اند. به عنوان نمونه، ذهبی و قندوزی از لفظ شبه استفاده کردند: «فَأَشْبَهَ خُلُقَكَ خُلُقِي وَأَشْبَهَ خُلُقِي خُلُقَكَ وَأَنْتَ مِنِّي وَ شَجَرْتِي؛ پس من خلقت تو را به خلق خود تشبیه می‌کنم و خلقت من شبیه خلقت توست و تو از من و درخت منی» (ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۱۳۷ و قندوزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۱۹).

ابن سعد نیز در کتاب طبقات الکبری یک بار «أَشْبَهَ خُلُقَكَ خُلُقِي، وَأَشْبَهَ خُلُقِي خُلُقَكَ خُلُقِي؛ شخصیت تو مانند شخصیت من است و شخصیت من مانند شخصیت توست» (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۶) و یک بار «إِنَّكَ شَبِهُهُ خُلُقِي وَ خُلُقِي؛ در ظاهر و خلق و خوی، خلقت تو مانند

خلقت من است» (همان). همچنین زمخشری و خزاعی حدیث را چنین بیان کرده‌اند: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خُلُقًا وَ خُلُقًا؛ جعفر بن ابی طالب شبیه‌ترین مردم از نظر ظاهر و خلق و خو به رسول الله ﷺ است» (زمخشری، بی‌تا، ج ۴ ص ۲۳۹ و خزاعی، ۱۴۱۹، ص ۴۸۶).

ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین نوشته است: جعفر بن محمد از پدرش حدیث کرد که رسول الله ﷺ فرمود: «خُلِقَ النَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ جَعْفَرٌ مِنْ طِينَةٍ وَاحِدَةٍ؛ مردم از درخت‌های گوناگون آفریده شده‌اند، ولی من و جعفر از یک درخت آفریده شده‌ایم» (اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶).

ابن منظور از قول جابر نقل کرده است که وقتی جعفر بن ابی طالب از حبشه بازگشت پیامبر ﷺ به او نگاه کرد و فرمود: «يَا حَبِيبِي أَنْتَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِخُلُقِي وَ خُلُقِي وَ خُلِقْتُ مِنَ الطِّينَةِ الَّتِي خُلِقَتْ مِنْهَا؛ ای دوست من! تو شبیه‌ترین مردم به خلق و خوی من هستی و از خاکی که من از آن خلق شده‌ام، خلق شده‌ای» (ابن منظور، ۱۴۰۲، ج ۶، ص ۶۹).

کوفی نیز در مناقب همین حدیث را از پیامبر ﷺ چنین نقل کرده است: «يَا جَعْفَرُ أَشْبَهْتَ خُلُقِي وَ خُلُقِي وَ أَنْتَ مِنْ شَجَرَتِي الَّتِي أَنَا مِنْهَا؛ ای جعفر! تو از نظر ظاهر و خلق و خوی به من شباهت داری و از درخت منی» (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۹۷).

در ادامه، وجوه قربابت میان این دو بزرگوار را می‌توان از دو جهت بررسی کرد که به آنها پرداخته می‌شود.

۲. وجوه قربابت

۲-۱. قربابت ظاهری

وجوه ظاهری، مربوط به قیافه و صورت، قد و قامت و ویژگی‌های جسمی است. در برخی گزارش‌ها، افرادی از نظر ظاهر، به وجود نازنین حضرت ختمی مرتبت ﷺ تشبیه شده‌اند. این روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، حضرات معصومین علیهم‌السلام در صفاتی به حضرت تشبیه شده‌اند؛ مانند: امام حسن مجتبی علیهم‌السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴ ص ۲۰)، حضرت زهرا علیها السلام (کوفی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۸۶) و امام مهدی علیه‌السلام (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۲۱). دسته دوم، روایاتی هستند که در آنها تشبیه غیر معصومین با حضرت نقل شده است؛ از جمله: حضرت علی اکبر

(ابن طاووس، ۱۳۴۸، ص ۱۱۳) و عون بن جعفر بن ابی طالب (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸، ج ۴، ص ۶۱۸). جعفر بن ابی طالب یکی از افرادی است که پیامبر ﷺ، حدیث تشبیه را در مورد ایشان به کار برد و خطاب به ایشان فرمود: «أشبهت خلقی و خلقی». خلقی اولی به فتح خاء و سکون لام، به معنای صورت و ظاهر، و خلقی دومی به ضمه خاء، به معنای خصوصیت و صفات است (مبارکفوری، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۸۴). گرچه حدیث با الفاظ مختلفی بیان شده است، ولی تمام اقوال، بیانگر تشابه جناب جعفر بن ابی طالب به وجود مبارک حضرت محمد ﷺ است. در برخی منابع، از شباهت ظاهری پیامبر ﷺ با جعفر بن ابی طالب سخن به میان آمده است و می نویسند شباهت جعفر بن ابی طالب با رسول خدا ﷺ زیاد بوده است (زمخشری، بی تا، ج ۴، ص ۲۳۹). گرچه به دلیل ضعف منابع تاریخی، از قیافه جناب جعفر چیز زیادی در دست نیست، ولی سخن برخی منابع در تشابه جسمانی و حدیث تشبیه (اشبهت خلقی...) می تواند دلیلی مناسب برای تشابه ظاهری پیامبر ﷺ با جعفر بن ابی طالب باشد.

۲-۲. قرابت اخلاقی و رفتاری

در قسمت اول حدیث، حضرت تشبیه خلقی به فتح خاء را مطرح فرموده است که توضیح آن بیان شد. در ادامه حدیث، شباهت حضرت رسول ﷺ به جعفر بن ابی طالب از لحاظ خلق به ضمه خاء بیان گردیده که خلق به معنای صفات درونی آورده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۵). حدیث «اشبهت خلقی»، غیر از اینکه شباهت ظاهری را بیان می کند، به شباهت اخلاقی و رفتار این دو بزرگوار نیز اشاره دارد که به آنها پرداخته می شود.

۲-۲-۱. دارای رفتارهای موحدانه

یکتاپرستی پیامبر ﷺ قبل از بعثت بر احدی پوشیده نیست و ایشان پیش از بعثت نیز به یکتاپرستی و دین ابراهیم خلیل اعتقاد داشت. قرآن کریم پیامبر ﷺ را به عنوان ادامه دهنده دین ابراهیم معرفی می کند و او را به پیروی از آیین حنفی دعوت می نماید: «آنگاه بر تو وحی کردیم که دین مستقیم ابراهیم را پیروی کن» (نحل: ۱۲۳).

رسول خدا ﷺ همانند اجداد خود، به دین آسمانی ابراهیم خلیل معتقد بود. او مؤمنی موحد بود، هرگز به بت ها سجده نکرد و در دوران جوانی، هنگام قسم خوردن به لات و عزی، آنها را

مبغوض ترین چیزها می دانست (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۵). ابن اسحاق می نویسد: «رسول خدا ﷺ در حالی به جوانی رسید که خداوند او را مراقبت نمود و از پلیدی های جاهلی حفاظت کرد؛ زیرا اراده آن داشت تا کرامت رسالت به او دهد» (ابن اسحاق، ۱۴۱۰، ص ۷۸ و ر. ک: ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۳). از روایات فوق، موحد بودن حضرت رسول ﷺ اثبات می گردد. آن حضرت در طول عمر مبارکش هیچ بتی را عبادت نکرد. بنابراین وقتی از امیرالمومنین علیه السلام درباره پیامبر ﷺ سوال شد که آیا بتی را حتی برای یک بار عبادت کرده است؟ حضرت فرمود: خیر. سؤال شد آیا خمر نوشیده است؟ فرمود: خیر. (صالحی الشامی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۴۹). آری پیامبر ﷺ مؤمن و موحد بود که جز خدای یکتا را عبادت نکرد.

در بررسی حدیث اشبهت خلقی و خلقی، یکی از نکاتی که می توان به آن اشاره کرد هم سو بودن پیامبر ﷺ با جعفرین ابی طالب در اعتقادات بود. جناب جعفر، همانند پسرعموی خود، موحد و خداپرست بود. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «خداوند عزّ و جلّ به رسول خود وحی فرستاد: من چهار خصلت از خصال جعفرین ابی طالب را مشکور داشته ام. پس پیامبر ﷺ او را فراخواند و او را از مضمون این وحی آگاه ساخت. جعفر گفت: اگر نه خداوند تبارک و تعالی تو را از این امر خبر داده بود، من تو را باخبر نمی ساختم. من هرگز شراب ننوشیده ام، زیرا می دانستم که اگر آن را بنوشم عقلم زایل می شود؛ و هرگز دروغ نگفته ام، زیرا دروغ، مردانگی را می کاهد؛ و هرگز زنا نکرده ام، زیرا بیم آن داشتم که اگر به ناموس کسی تجاوز کنم به ناموسم تجاوز شود؛ و هرگز بتی را نپرستیده ام، زیرا می دانستم که آن نه زیان می رساند، و نه سود. پس پیغمبر ﷺ دست مرحمت بر شانه او زد و فرمود: خداوند عزّ و جلّ را می سزد که برای تو دو بال قرار دهد که به وسیله آنها با فرشتگان در بهشت پرواز کنی» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۹۷ و فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۷۱۳).

یکی از خصلت هایی که در روایت فوق به آن اشاره شد، عدم پرستش بت بود که می تواند دلیلی روشن بر موحد بودن ایشان، حتی قبل از بعثت باشد. بدیهی است فردی که در دامن شخصی همچون حضرت ابوطالب پرورش پیدا کند و تربیت شود، همچون اجداد طاهرش بر دین ابراهیم خلیل باشد.

جريان اولين نماز جماعت پيامبر ﷺ نيز مي توان به عنوان دليلي براي اثبات موحد بودن او باشد. امام صادق عليه السلام فرمود: اولين نماز جماعتي كه رسول خدا ﷺ خواند، تنها اميرالمؤمنين با او بود. ابوطالب از آنجا مي گذشت و درحالي كه جعفر همراهش بود به او گفت: پسر جانم! به پهلوي عموزاده ات وصل شو. چون رسول خدا ﷺ احساس كرد كه او به نماز ايستاد، پيش ايستاد و از آن رو، ابوطالب شاد شد (ابن بابويه قمي، ۱۳۷۶، ص ۵۰۸).

بي شك اگر ايشان موحد نبود به اين سرعت حاضر به شركت در نماز جماعت نمي شد و حرف پدر را نمي پذيرفت. تنها كسي مي تواند به اين سرعت دين محمد را پذيرد كه بر دين ابراهيم خليل الله باشد و زمينه يكتاپرستي را داشته باشد. اعمال و رفتار ايشان، همچون همراهي خاص وي با حضرت رسول ﷺ و مطيع اوامر رسول خدا ﷺ و همسو بودن با پيامبر خدا ﷺ نيز مي تواند بهترين گواه بر موحد بودن و يكتاپرستي وي باشد.

۲-۲-۲. هر دو يار نمازندگان

پيامبر ﷺ از بخشنده ترين افراد بشر و الكويي بي بديل در انفاق مال بود (نيشابوري، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۳). هرگز پيش نمي آمد كه درهم و ديناري نزد او بماند و اگر چيزي زياد مي آمد و نيازمندي را ميديد، به او مي بخشيد و سپس به خانه مي رفت (ديار بكري، بي تا، ج ۱، ص ۲۱۱). ابن عباس مي گويد: پيامبر ﷺ از همه كس بخشنده تر بود و در ماه مبارك رمضان از نسيم وزان هم بخشنده تر مي شد (نيشابوري، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۳ و ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۷۷). هرگز در جواب كسي كه از او چيزي مي خواست نه نمي گفت (نيشابوري، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۵ و بخاري، بي تا، ج ۱، ص ۸۱۰). انس بن مالك مي گويد: پيامبر ﷺ چيزي از اموال را ذخيره نمي نمود و همه را به ديگران انفاق مي كرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۳). امام صادق عليه السلام درباره بخشندي پيامبر ﷺ مي فرمايد: نزد حضرت، يك اوقيه (هفت مثقال) طلا بود. حضرت دوست نداشتند كه آن طلا در نزدش بماند؛ پس شبانه همه آنها را صدقه داد و چون صبح شد چيزي نداشت تا به سائلي كه نزدش آمده بود بدهد (كليني، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۶۷-۶۸؛ نيشابوري، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۶ و بحراني، ۱۴۱۱، ص ۲۹۰). حماد بن سلمه از انس بن مالك نقل مي كند: مردی از حضرت گوسفندانش را طلب كرد. حضرت همه آنها را به او بخشيد. مرد

نزد قومش رفت و گفت: ای مردم! اسلام بیاورید. به خدا که محمد ﷺ عطا می‌کند به حدی که از فقر نمی‌ترسد (نیشابوری، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۶ و مقریزی، ۱۹۹۹، ج ۲، ص ۲۱۰). بخشندگی و گشاده‌دستی پیامبر ﷺ شهره خاص و عام بود که در منابع شیعه و سنی به آن تأکید شده است. این رفتار، تأثیر بسزایی بر پیروان حضرت گذاشت. یکی از اصحاب راستین پیامبر ﷺ، جعفر بن ابی طالب بود که وی را الگو و سرمشق خود قرار داد و همچون پسر عم خود، یار فقرا و مستمندان بود، در کنار آنها می‌نشست، به آنها خدمت می‌کرد و با آنها سخن می‌گفت (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹۲). وی چنان به بخشندگی شهره بود که پیامبر ﷺ او را اباالمساکین لقب داد (نیشابوری، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۱۸۰۵؛ بخاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۵۹۳؛ الحلبي الشافعي، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۷۲ و ابن طریق حلی، ۱۴۰۷، ص ۴۱۰)؛ چراکه وی در زمانی که گرسنگی و قحطی، گروهی را بی‌خانمان کرده بود، از همه مردم نسبت به فقرا و بینوایان مهربان‌تر بود، هرچه در خانه داشت برای آنها می‌برد به حدی که اگر در خانه خود چیزی نمی‌یافت، ظرف چرمین عسل و روغن را به فقرا می‌داد و آنها نیز آن را می‌شکافتند و به وسیله کارد از ته مانده‌اش استفاده می‌کردند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۲۲ و ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۸۷).

توجه به این نکته ضروری است که پیامبر ﷺ رحمه للعالمین و سرآمد بخشندگی و گشاده‌دستی بود. آن حضرت مظهر تام کلیه صفات اخلاقی بود که بخشش و کرم در وجود ایشان کمال یافته بود و به طور حتم، در بخشندگی نظیر و مانندی ندارد. در این میان، جعفر بن ابی طالب، به عنوان یکی از شاگردان مکتب حضرت رسول ﷺ، تمام تلاشش بر این قرار گرفت که از رئیس مکتب خود تأسی بگیرد و یار ستم‌دیدگان باشد.

۲-۲-۳. هر دو مبلغ

تبلیغ، یک رسالت مقدس الهی است. پیامبر ﷺ در راستای تبلیغ، فرمان خدا را اجرا کرد و به آن اهتمام ورزید. امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود: «فبالغ فی الصغیر و مضی علی الطریقه و دعا الی حکمه و الموعظه الحسنه؛ پیامبر ﷺ خیرخواهی و پند و اندرز را درباره آنان به حد اعلی رساند و به طریقه الهی حرکت کرد و مردم را با حکمت و موعظه نیکو دعوت نمود» (جعفری، بی‌تا، ج ۱۷، ص ۸۳، خطبه ۹۵).

وی تنها به دنبال این نبود که پیام الهی را بر زبان جاری کند و در گوش مردم طنین انداز سازد؛ بلکه سعی می‌کرد پیام انسان‌ساز الهی را به گوش جان انسان‌های مستعد برساند و آنان را متحول نماید. آن حضرت وقتی می‌دید مردم هدایت می‌شوند خوشحال می‌شد و اگر می‌دید افرادی سرسختی نشان می‌دهند و پیام الهی را نمی‌پذیرند، ناراحت و متاثر می‌گشت. نسبت به هدایت مردم چنان دلسوز بود که خداوند در قرآن فرمود: «به طور قطع برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به هدایت شما حریص، و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه: ۱۲۸). ایشان برای هدایت تمامی بشر کوشش می‌کرد. نامه‌ها و سفیرانی که به کشورهای متعدد ارسال می‌نمود شاهد این جریان است. در این میان، جعفر بن ابی طالب نخستین سفیر و مبلغی بود که از سوی پیامبر ﷺ به حبشه اعزام شد. براین اساس، می‌توان تبلیغ این مبلغ را به دو نوع تقسیم کرد:

۱-۲-۳. تبلیغ عملی

از آنجاکه جناب جعفر فردی دارای خصوصیات برجسته بود که به دلیل دارا بودن این ویژگی‌ها چنین مسئولیتی به وی محول شد، به طور حتم انسانی که مصداق یک مسلمان کامل و نمونه است، خواسته و ناخواسته می‌تواند دیگر افراد را تحت تأثیر افعال، سیره و اخلاق نیکوی خویش قرار دهد. او در حبشه، مصداق یک مسلمان واقعی بود که نه تنها مهاجران مسلمان را الهام بخشید؛ بلکه موجب هدایت گروهی از غیرمسلمانان به دین اسلام نیز شد. جعفر که به سرپرستی کاروان مهاجران برگزیده شده بود، با شجاعت و بیان زیبای خود توانست قلوب بسیاری از حبشیان را به سوی اسلام جذب کند که برخی تعداد هدایت شدگان را تا چهل نفر گزارش داده‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۰). برخی شأن نزول آیات ۵۱ تا ۵۵ سوره قصص را در مورد چهل نفر از علما و روشن ضمیران مسیحی می‌دانند که ۳۲ نفر از آنها، به همراه جعفر بن ابی طالب، از حبشه به مدینه آمدند و هشت نفر از شام که در میان آنها، بحیرا، راهب معروف شامی نیز حضور داشت (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۷۴ و واحدی نیشابوری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۰). جناب جعفر با هجرت خود نشان داد که مسلمانان، با اخلاق نیک و رفتار زیبا می‌توانند پیام اسلام را به گوش جهانیان برسانند و دل‌های آنان را به سوی دین حق متمایل سازند.

۲-۲-۳-۲. تبلیغ گفتاری

دومین نوع تبلیغ، تبلیغ گفتاری است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنرانی های خود به خوبی استعدادها و توانمندی های بلاغی خود را نشان می داد. یکی از نمونه های بارز آن، خطبه غدیر خم بود. جناب جعفر نیز در تبلیغ گفتاری، مستعد و توانمند بود و مانند پیامبر صلی الله علیه و آله توانایی خاصی در برقراری ارتباط با دیگران داشت. او سخنگویی فصیح و توانمند بود که به بیان مسائل دین اسلام می پرداخت و آیات قرآن را تلاوت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله را بازگو می کرد. تاریخ بهترین شاهد بر این مدعا است. در جلسه نجاشی، جعفر بن ابی طالب در حضور مسیحیان، فصیح و شیوا از اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله سخن گفت و با بهره گیری از استعداد های بلاغی و توانمندی های خود، به خوبی زمان و موقعیت را شناسایی کرد. او در شرایطی سخن گفت که مسلمانان تحت فشار قریش بودند و نیاز به حمایت داشتند. وی با درک صحیح از مقام و جایگاه نجاشی، که پادشاهی عادل و باانصاف بود، به بیان اصول دین اسلام و احترام به حضرت مسیح صلی الله علیه و آله پرداخت. استفاده از آیات قرآن و تأکید بر ظلم های وارده بر مسلمانان، احساسات حاضران را تحت تأثیر قرار داد و نجاشی که بیانات جعفر را با آموزه های دینی خود منطبق دید، تصمیم به حمایت از مسلمانان گرفت. آری جناب جعفر با داشتن ایمان قوی، منطق و قدرت استدلال توانست یک زندگی آرام و سرشار از امنیت برای برادران دینی خود فراهم سازد.

۲-۲-۴. هر دو شجاع

شجاعت مصداق زیادی دارد و نمونه های آن در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله به فراوانی یافت می شود؛ اما از آنجاکه گزارش منابع درباره شجاعت جعفر بن ابی طالب محدود است، تنها به ذکر موارد زیر اکتفا می شود:

۲-۲-۴-۱. پیشگامی در اسلام

دلیری و بی باکی پیامبر صلی الله علیه و آله برای دوستان و دشمنان ایشان آشکار است و حتی در ایام قبل از بعثت، از ایشان به عنوان فردی شجاع یاد می شد. آن حضرت عقاید، آداب و رسوم

خرافی و باطل را بدون واهمه رد می‌کرد و در مقابل بت‌ها به سجده نمی‌رفت (ابوزهره، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۲۹). ایشان پس از پیامبری، در تبلیغ دین شجاعت خاصی داشت. جعفرین ابی طالب نیز همچون رسول اکرم ﷺ، از اولین روزهایی که ندای حق پرستی را از کلام نورانی پیامبر ﷺ شنید، پس از برادرش علی علیه السلام را پذیرفت. وی زمانی قبول دعوت کرد که جز عده‌ای قلیل، همه به پیامبر ﷺ پشت کردند و کسی جرأت اسلام آوردن نداشت. پیشگامی وی در اسلام آوردن و همچنین شرکت در نماز جماعت با رسول خدا ﷺ در سال‌های نخستین دعوت به اسلام (طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۰۳)، بهترین گواه شجاعت آن جناب است.

۲-۲-۴-۲. شجاعت در سرپرستی و پذیرش مأموریت

تلاش سیزده ساله پیامبر ﷺ و تبلیغ دین جدید، نشان‌دهنده شهامتی والاست و همه مسلمانان صدر اسلام از شجاعت آن حضرت یاد کرده‌اند. پیامبر ﷺ گرچه دشمنان زیادی در طول ایام رسالت داشت، اما هیچ هراسی به خود راه نداد و پیام خدا را بدون کوچک‌ترین ترسی بازگو کرد. یکی از صحابه راستین پیامبر ﷺ که در شمار شجاع‌ترین مردان عرب بود، جعفرین ابی طالب است که در سخت‌ترین شرایط، از دفاع از آیین محمد ﷺ و رسالت الهی آن حضرت دست برنداشت.

پیامبر ﷺ سرپرستی مهاجرین حبشه را به جعفر واگذار کرد (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۳۴). گرچه تشکیل یک حکومت اسلامی و سرپرستی یک ملت اسلامی، با سرپرستی یک گروه مهاجر به حبشه قابل مقایسه نیست، ولی در کیفیت رسالت و مأموریت باید گفت که هر دو بزرگوار به خوبی و بی‌هیچ رعب و بیمی از عهده این مسئولیت سنگین برآمدند.

۲-۲-۴-۳. شجاعت در بیان حق

یکی از اوصاف حضرت رسول ﷺ، برخورد شجاعانه و قاطعانه در برابر حق و حقیقت بود. او در برابر کفار و منافقین، هیچ ترس و هراسی نداشت و همان‌طور که به او امر شده بود رفتار می‌کرد: «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر! جایگاهشان جهنم است؛ و چه بد سرنوشتی دارند» (توبه: ۷۳). پیامبر ﷺ، قبل و بعد از بعثت، همیشه

حق را بر زبان جاری می ساخت و در اظهار حق، از سرزنش هیچ ملامتگری بیمی به دل راه نمی داد. جریان مباحله را می توان یکی از نمونه های بارز شجاعت پیامبر ﷺ در دفاع از حق و حقیقت بازگو کرد.^۱

جعفر طیار، همچون محمد مصطفی ﷺ، در بیان حق و حقیقت، از شجاعت و شهادت زیادی برخوردار بود. وقتی مشرکین قریش با هدایای زیاد به نزد نجاشی در حبشه رفتند تا مسلمانان مهاجر را به مکه برگردانند، جناب جعفر با شجاعت و شهادت تمام، بدون هیچ رعب و ترسی چنان مناظره ای انجام داد و آن چنان مواضع و دیدگاه اسلام را بیان فرمود که توانست نجاشی و اسقف ها را متقاعد سازد، کفار شکست خورده را به مکه بازگرداند و زمینه زندگی راحت و آرام را برای مهاجران مسلمان حبشه فراهم کند (ر.ک: بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۳۰۱ و طبری، ۱۳۵۶، ص ۲۰۸). آری بروز چنین شهادتی از شخصیتی همچون جعفر طیار، که در مکتب خاتم الانبیاء ﷺ پرورش یافته بود، نه تنها نشان دهنده شجاعت او، بلکه بیانگر توانایی وی در بیان حقیقت و دفاع از اصول اسلام و همچنین عمق ایمان و اعتقاد والای او به خداست.

۴-۲-۲. شجاعت در میدان نبرد

پیامبر ﷺ در جنگ ها به عنوان پیشتاز خط مقدم بود و مسلمانان همیشه به او پناه می بردند. آن حضرت در سخت ترین شرایط، میدان نبرد را خالی نمی کرد و همراه یارانش به مبارزه می پرداخت. امام علی علیه السلام می فرماید: وقتی که جنگ شدت می گرفت و نبرد تن به تن آغاز می شد، به رسول خدا ﷺ پناه می بردیم و او را سپر خویش قرار می دادیم و در این هنگام، هیچ کدام از ما، از او نزدیک تر به دشمن نبود (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۲۵). عمران بن حصین گوید: پیامبر ﷺ در برابر لشکری قرار نگرفت مگر اینکه او اول کسی بود که ضربه می زد (صالحی شامی، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۴۷). جرأت پیامبر ﷺ، قوت قلبی برای تمام یاران بود. آنان در سختی کارزار، همواره به آن حضرت متوسل می شدند و از اقتدار و بی باکی ایشان روحیه می گرفتند.

جعفر بن ابی طالب، همچون پسر عم خود، از شجاعت زیادی برخوردار بود. در شجاعت،

۱. این جریان، در ۲۴ ذی حجه سال دهم هجری در شهر مدینه رخ داد. در این واقعه، پیامبر ﷺ به همراه اهل بیت خود به محل مباحله رفت و مسیحیان نجران که دیدند پیامبر ﷺ به همراه نزدیک ترین کسانش حاضر شده است، با دیدن عظمت، شکوه، فداکاری و شجاعت آن حضرت، به حقانیت و صداقت آنها ایمان آوردند و درخواست مصالحه کردند.

همانند برادرانش بی نظیر بود؛ همان طور که پیامبر ﷺ در فتح مکه در سال هشتم هجری فرمود: اگر همه مردم از نسل ابوطالب بودند، همه شجاع می بودند (اربلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۱۱۰۶). عبدالله پسر جعفر می گوید: عمویم علی ﷺ آنقدر به پدرم علاقه مند بود که هرگاه چیزی می خواستیم، از ما دریغ نمی کرد؛ به ویژه اگر او را به پدرم سوگند می دادیم، خواسته ما را سریع تر برآورده می نمود. هنگامی که علی ﷺ خانه نشین شد و مردم از گردش پراکنده شدند و حقوق اهل بیت ﷺ به ناحق پایمال گردید، آن حضرت را دیدند که بسیار ناراحت است و در کنار قبر پیامبر ﷺ از مردم به آن حضرت شکایت می کند؛ از جمله فرمود: ای رسول خدا! این مردم پس از شما بر ما اهل بیت ناسپاسی ها کردند و حقمان را تضییع نمودند. اگر حمزه و جعفر بودند این گونه نمی شد. ای حمزه و جعفر کجایی؟ امروز نه جعفر دارم نه حمزه (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۵).

شجاعت جعفر بن ابی طالب در جنگ موته، زبانزد خاص و عام است. وی در مقابل دشمن چنین رجزخوانی می کرد: خوشحالم که بهشت موعود پرنعمت و پاکیزه نزدیک است (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۰ و ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۸). در این جنگ، هنگامی که حلقه محاصره تنگ شد از اسب فرود آمد و با ضربه شمشیر، اسب خود را پی کرد. در هنگام نبرد، ابتدا دست راست وی قطع شد. پس پرچم را به دست چپ گرفت و بعد از قطع شدن دست چپ، پرچم را با دو بازو نگه داشت و سرانجام به لقاء حق شتافت (امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷۳). مورخان تعداد ضربه های شمشیر و نیزه وارد شده بر جعفر را میان سی تا نود زخم شمرده اند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۷۶۱ و ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵۹۳).

۲-۲-۵. هر دو مهاجر تاریخ ساز

هجرت در لغت به معنای گسستن، جدایی، دوری، ترک کردن و از جایی به جای دیگر رفتن است (اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۵۳۶). اگر هجرت برای ترویج دین، حفظ آن، یا دوری از محیط گناه باشد، در قرآن و روایات، به آن سفارش شده است.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»؛ «هرکس به عنوان مهاجر به سوی خداوند و رسولش هجرت

کند و سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست» (نساء: ۱۰۰). در آیه ای دیگر می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ «آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی هستند و برای آنها آمرزش و روزی شایسته ای است» (بقره: ۲۱۸). پیامبر ﷺ نیز در حدیثی فرموده است: «مَنْ فَرَ بَدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛ هرکس برای حفظ دینش، از یک نقطه به نقطه ای دیگر هجرت کند، اگرچه یک وجب باشد، مستوجب رسیدن به بهشت است» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۴۰۳).

افراد برای بهبود شرایط زندگی خود، به سرزمین های دوردست هجرت می کنند، اما برخی از این مهاجرت ها نه تنها سرنوشت فرد را دگرگون می سازد، بلکه سرنوشت جامعه را نیز متحول می کند؛ به ویژه هجرت هایی که با هدف ترویج آیین مقدس اسلام صورت می پذیرند، همچون هجرت پیامبر اکرم ﷺ و یاران باوفای ایشان، از جمله جعفر طیار. این مهاجرت های ارزشمند، نشان از قدرت دگرگون سازی و تأثیرگذاری بر جامعه دارند و می توانند مسیر تاریخ را به سوی تعالی و سعادت هدایت نمایند.

حضرت محمد ﷺ به مدت سیزده سال در شهر مکه به تبلیغ دین اسلام مشغول (دینوری، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲) و در راه تبلیغ دین اسلام، با مشکلات بسیار زیادی مواجه بود. مشرکان مکه با تمام توان سعی داشتند جلوی رشد اسلام را بگیرند، لذا در این مدت (نسبت به ده سال تبلیغ در مدینه) بسیار کم بودند. با فراهم شدن زمینه تشکیل حکومت اسلامی در مدینه و گرایش دو قبیله بزرگ مدینه (اوس و خزرج) به اسلام، پیامبر ﷺ تصمیم گرفت با یاران ستمدیده خویش به این شهر مهاجرت کند. درواقع، تصمیم به هجرت، به نوعی خواست و دستور الهی بود. زندگی در مکه برای مسلمانان بسیار سخت شد تا آنکه از رسول خدا ﷺ اذن هجرت خواستند و آن حضرت به آنان فرمود رهسپار مدینه شوند و نزد برادران انصار خود بروند و به آنان گفت: «خدای عزوجل برای شما برادران و محل امنی قرار داده است» (بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۳۶۱ و ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۲۵).

مسلمانان کم کم شهر مکه و درواقع، خانه و زندگی خویش را ترک کردند و به مدینه رفتند و

رسول خدا ﷺ به انتظار اذن پروردگار، در مکه باقی ماند. هجرت مسلمانان به مدینه، از ذی حجه سال سیزدهم بعثت آغاز شد (ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۷). در واقع، پیامبر ﷺ و یاران ایشان به خاطر ترویج و حفظ دین اسلام، خانه و کاشانه خود را ترک کردند و رهسپار مدینه شدند.

جناب جعفر بن ابی طالب نیز همچون نبی خدا ﷺ، از جمله مهاجرانی بود که برای ترویج و حفظ دین اسلام، از خانه و وطن خود دست کشید و با زحمت و مشقت، بار هجرت را به دوش گرفت و در این مدت، جهادگونه عمل کرد. در آن زمان، حبشه یکی از ممالک بزرگ و قدرتمند جهان بود و همزمان با بعثت پیامبر ﷺ، پادشاه عادل به نام «اصحمه» مشهور به نجاشی بر آن حکومت می کرد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۱۴۰). در سال پنجم بعثت، در جریان هجرت مسلمانان به حبشه، این سرزمین پذیرای مهاجرین مسلمان بود. پیامبر ﷺ در این زمینه فرمود: (حبشه) سرزمین درستی و صداقت بود؛ چراکه در آنجا پادشاهی حکومت می کرد که در سایه حمایت او به کسی ظلم نمی شد (ابن هشام، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۳). بنابراین عده ای از مسلمانان به این سرزمین پناه بردند (ابن سعد، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۶۰).

در این هجرت، جعفر طیار سرپرست مهاجران بود. پیامبر ﷺ به همراه او نامه ای خطاب به نجاشی، پادشاه آن دیار فرستاد و ضمن دعوت او به اسلام، از او خواست تا به اوضاع جعفر و دیگر مسلمین مهاجر رسیدگی کند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۵۲).

جناب جعفر، نخستین مبلغ اسلام در خارج از جزیره العرب به شمار می آید. وی از توانمندی عقلی و منطقی بالایی برخوردار بود که نمونه آن را در سفر به حبشه می توان دید. اگر وی از توانمندی منطقی و عقلی برخوردار نبود، چگونه می توانست با بیان روشن، دلایل محکم و با استدلال به آیات قرآن، با مشرکان مکه در نزد نجاشی مواجهه کند و امنیت و آرامش را برای مسلمین مهاجر در حبشه فراهم سازد.

بنابراین، هر دو بزرگوار را می توان مهاجر در راه اسلام خواند. گرچه مهاجرت حضرت رسول ﷺ با ثمراتی بیشتر همراه بود، ولی هجرت جعفر طیار نیز بی ثمر نبود. این هجرت باعث مسلمان شدن نجاشی و تعدادی از مردم حبشه گردید و توانست شرایط مطلوبی را برای مسلمانان مهاجر حبشه فراهم کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی حدیث «أَشْبَهَتْ خُلُقِي وَ خُلُقِي» پرداخته است که پیامبر ﷺ در مورد جناب جعفر طیار فرمود. باید توجه داشت که تشبیه افراد به فردی همچون رسول الله ﷺ که به عنوان اسوه حسنه معرفی شده، کاری خطیر و دشوار است. می‌توان گفت در تشبیه فردی به حضرت خاتم الانبیاء ﷺ، دو حالت را می‌توان در نظر گرفت: یا این تشبیه، به معنای برابری است، و یا اینکه فرد دارای صفتی است که نزدیک به یک یا چند ویژگی پیامبر ﷺ است، ولی برابر و هم سطح با صفات پیامبر ﷺ نیست. به نظر می‌رسد در روایاتی که تشبیه یکی از معصومین به ایشان باشد، برابری معصوم با پیامبر ﷺ را در آن صفت می‌توان نتیجه گرفت، ولی به طور حتم اگر تشبیه غیر معصوم با وجود مبارک پیامبر ﷺ صورت گیرد، معنای دوم، یعنی نزدیکی به یک یا چند ویژگی آن حضرت صدق می‌کند نه برابری.

بررسی حدیث «اشبهت خلقی و خلقی» نشان داد که جناب جعفر بن ابی طالب و وجود نازنین پیامبر ﷺ، دارای وجوه و فضایل مشترکی هستند که وجوه تشابه را می‌توان از دو جهت ظاهری و اخلاقی- رفتاری بررسی کرد. جناب جعفر بن ابی طالب در اخلاق و رفتار، از جهاتی با پسر عم خود مشابَهت داشت؛ چرا که هر دو نفر، رفتارهای موحدانه داشتند، چه قبل از اسلام و چه بعد از آن و هیچ‌گاه غیر از خدای یکتا را پرستش نکردند. همچنین هر دو، مبلغ و پیام‌رسان پیام الهی بودند؛ پیامبر ﷺ پیام‌رسان پیام خدا به تمام جهانیان و جناب جعفر، پیام‌رسان پیام خدا از سوی حضرت محمد ﷺ به مردم حبشه بود. هر دو، یار نیازمندان بودند. پیامبر ﷺ در طول عمر شریف خود همواره مأوای نیازمندان و فقرا بود و هیچ‌گاه نیازمندی را ناامید نمی‌ساخت. جناب جعفر بن ابی طالب نیز که پیامبر ﷺ را اسوه کامل می‌دانست، در این امر، به پسر عم خود تأسی می‌کرد تا جایی که پیامبر ﷺ وی را اباالمساکین لقب داد. هر دو در شجاعت بی‌نظیر بودند.

باید به این دو نکته توجه داشت که پیامبر ﷺ، کامل‌ترین انسان هستی است و هیچ‌کس همتای ایشان نیست؛ بنابراین بیان وجوه تشابه، به منظور اثبات برابری و همتایی بین این دو بزرگوار نیست؛ بلکه نزدیک بودن برخی خصوصیات جناب جعفر با حضرت رسول ﷺ بیان می‌شود. نکته دوم اینکه موارد مذکور، تمام وجوه تشابه بین این دو نفر نیست و به طور قطع، ویژگی‌های دیگری نیز وجود دارد که می‌توان در توضیح وجوه تشابه این حدیث بیان کرد.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. نهج البلاغه، بی تا، ترجمه و تفسیر: محمدتقی جعفری.
۲. ابن ابی الحدید المعتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۳۸۶ ق، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳. ابن اثیر، عزالدین، ۱۴۰۹ ق، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن اسحاق، محمد، ۱۴۱۰ ق، سیره ابن اسحاق، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ ش، الأمالی، ترجمه: محمد باقر کمره ای، تهران: کتابچی.
۶. ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۸ ق، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۷. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، مسند الامام أحمد بن حنبل، بیروت: موسسه الرساله.
۸. ابن سعد کاتب واقدی، محمد، ۱۴۱۸ ق، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، المناقب، قم: علامه.
۱۰. ابن طاووس، ۱۳۴۸ ش، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان.
۱۱. ابن طریق حلی، ۱۴۰۷ ق، عمده عیون الصحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۲. ابن عساکر، ۱۴۱۵ ق، تاریخ مدینه دمشق، بیروت: دار الفکر.
۱۳. ابن کثیر الدمشقی، بی تا، البدايه و النهايه، بیروت: دار الفکر.
۱۴. ابن منظور انصاری، محمد بن مکرم بن علی، ۱۴۰۲ ق، مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، دمشق: دار الفکر.
۱۵. _____، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۱۶. ابن هشام، عبدالملک، بی تا، سیره النبویه، بیروت: دار المعرفه.
۱۷. ابوزهره، ۱۴۲۵ ق، محمد خاتم النبیین، قاهره: دار الفکر العربی.
۱۸. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۲۱ ق، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم: رضی.
۱۹. اصفهانی، ابوالفرج، ۱۳۸۵ ق، مقاتل الطالبیین، قم: موسسه دار الکتاب للطباعه و النشر.
۲۰. اصفهانی، راغب، ۱۴۲۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار المعرفه للطباعه و النشر و التوزیع.
۲۱. امین عاملی، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف.
۲۲. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۱ ق، حلیه الابرار فی احوال محمد ﷺ و آلہ الاطهار ﷺ، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۲۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، بی تا، صحیح، تحقیق: عبدالعزیز بن باز، بیروت: دار الفکر.
۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر.
۲۵. بیهقی، ابوبکر، ۱۴۰۵ ق، دلائل النبوة، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۶. حلبی الشافعی، ابوالفرج، ۱۴۲۷ ق، السیره الحلبیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۷. حموی شافعی، ابراهیم بن سعد، ۱۴۰۰ ق، فرائد السمطین، بیروت: موسسه المحمودی.

۲۸. خزاعی، علی بن محمد، ۱۴۱۹ق، تخریج الدلالات السمعیه، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۲۹. دیار بکری، حسین، بی تا، تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس، بیروت: دار صادر.
۳۰. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، ۱۳۷۱ش، الاخبار الطوال، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۳۱. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد، ۱۴۲۷ق، سیر اعلام النبلاء، القاهرة: دار الحديث.
۳۲. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، بی تا، ربیع الابرار، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۳. صالحی الشامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، سبل الهدی و الرشاد، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۳۵. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن بن فضل، ۱۴۰۸ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۳۶. _____، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری، قم: آل البيت (ع).
۳۷. طبری، محب الدین، ۱۳۵۶ق، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی (ع)، قاهره: مکتبه القدسی.
۳۸. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۷ق، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دار التراث.
۳۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۲ش، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، ۱۴۰۶ق، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع).
۴۱. قاسم، حمزه محمد، ۱۴۱۰ق، منار القاری، شرح مختصر صحیح البخاری، دمشق: مکتبه دار البیان.
۴۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۴۲۲ق، ینایع الموده لذو القربی، قم: اسوه.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵ش، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۴. کوفی، محمد بن سلیمان، ۱۴۱۲ق، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، قم: مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۴۵. مبارکفوری، حافظ محمد بن عبدالرحمن بن عبدالرحیم، ۱۴۱۰، تحفه الاحوذی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۶. مقریزی، احمد بن علی، ۱۹۹۹م، امتاع الاسماع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۷. نووی، ابوزکریا، بی تا، تهذیب الاسماء و اللغات، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، ۱۹۹۵م، صحیح، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد بن محمد، ۱۴۱۲ق، اسباب نزول القرآن، الدمام: دار الاصلاح.
۵۰. واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، المغازی، بیروت: الاعلمی.
۵۱. هلالی، سلیم بن قیس، ۱۴۰۵ق، اسرار آل محمد، قم: الهادی.
۵۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.